

تأثیر قدرت فرهنگی در ارتقاء بازدارندگی دفاعی همه‌جانبه نیروهای مسلح ج.ا.ا.

سیاوش رضایی^۱

جلیل نظام‌الاسلامی^۲

DOR: 20.1001.1.26765756.1398.8.29.1.4

چکیده

بر اساس نظریه بازدارندگی هر مهاجم به مقایسه فواید و عدم سودمندی ناشی از اقدام خود توجه می‌کند و چنانچه منافع حاصله از خسارات وارده بیشتر باشد، به اقدام تهاجمی برای تأمین منافع ملی دست می‌زند؛ بنابراین نیروهای مسلح ج.ا.ا. بایستی به سطحی از قدرت (سخت و نرم) دست یابند که دشمنان احساس نمایند در صورت تجاوز به حریم ج.ا.ا. هزینه‌ها و خسارت‌هایی که باید بپردازند بسیار سنگین‌تر از منافع حاصله خواهد بود. این تحقیق با هدف شناخت ماهیت قدرت در نظام بین‌الملل و همچنین نوع و ماهیت تهدیدات علیه ج.ا.ا. و ارائه الگوی تأثیر قدرت فرهنگی در ارتقاء بازدارندگی دفاعی نیروهای مسلح ج.ا.ا. انجام شده است و درصدد پاسخ به این سؤال است که الگوی ارتقاء قدرت بازدارندگی نیروهای مسلح بر اساس اسناد بالادستی (قرآن کریم، فرمایشات مقام معظم رهبری^(مد ظله العالی) و سند چشم‌انداز) چیست؟ نتایج تحقیق نشان می‌دهد که کسب قدرت بازدارندگی در محیط جدید بین‌الملل از الگوهای متفاوتی نسبت به گذشته پیروی می‌کند، گرچه قدرت نظامی همچنان از عناصر مهم قدرت بازدارندگی محسوب می‌گردد، اما نافذ و رایج نیست، امروز تبلور قدرت در حوزه فرهنگی - اجتماعی متبلور است، جنس آن از نوع اقناع و رضایت بوده و ابزار آن رسانه‌ها و فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی است، بنابراین تهدیدات علیه ج.ا.ا. نیز از ماهیت قدرت در نظام بین‌الملل پیروی نموده و ایجاد بازدارندگی در مقابل آن نیز از طریق ارتقاء قدرت فرهنگی امکان‌پذیر است.

کلیدواژه‌ها: قدرت نرم، قدرت بازدارندگی، دفاع همه‌جانبه، سند چشم‌انداز

جستار گشایی

بازدارندگی از جمله نظریه‌های قدیمی در حوزه روابط بین‌الملل و سیاست خارجی به شمار می‌رود که با پایان جنگ جهانی دوم و به موازات تحکیم و تداوم نظام دوقطبی، جایگاه خود را در تفکر استراتژیک غرب تثبیت کرد و بیش از چهار دهه بر اندیشه استراتژیک غرب مسلط بود. در تمام دوران جنگ سرد هر حرکت استراتژیک غرب با توجه به لوازم این مفهوم صورت می‌گرفت. بازدارندگی در سیاست‌گذاری‌ها جایگاه ویژه‌ای یافت و همین امر باعث گردید اندیشمندان در نظریه‌پردازی‌های خود مفهوم بازدارندگی را لحاظ نمایند. «ترس و نگرانی از کاربرد سلاح اتمی، ضرورت جستجوی راه حل برای جلوگیری از وقوع آن را اجتناب‌ناپذیر می‌کرد. در واقع تدوین نظریه بازدارندگی بیشتر یک ضرورت عملی بود تا صرفاً تأمل نظری. به‌رغم این نگرانی‌ها و عمق فاجعه‌ای که سلاح اتمی می‌تواند بیافریند، بازدارندگی مفهومی روشن و ساده و صریح است: به‌کارگیری تهدیدات نظامی برای ترغیب رقیب به خویشتن‌داری و ترک اهداف بلندپروازانه نظامی؛ بنابراین نظریه بازدارندگی درصدد است با افزایش هزینه بر محاسبات استراتژیک رقیب تأثیر بگذارد» (سیف‌زاده، ۱۳۷۹: ۱۷۷). با پایان جنگ سرد بازدارندگی دیگر آن مصادیق متعارف سابق را نداشت و در محیط پیچیده بین‌المللی نیز به نظر می‌رسید به عنوان یک سیاست به امری زائد و منسوخ مبدل شده و جایگاه آن به عنوان یک مفهوم زنده در معرض اتهام و تردید قرار گرفت. اگر از منظر تفکر راهبردی مسلط غربی به این مفهوم بنگریم باید گفت که بازدارندگی به حاشیه رفت و طرفداران آن نیز جایگاه سابق خود را از دست دادند. دلیل آن هم مشخص است چون مفهوم بازدارندگی ناظر بر تحولات دوران جنگ سرد و قدرت وحشت‌آور و بازدارنده سلاح‌های اتمی بود که دو ابرقدرت را متقاعد می‌ساخت که تهاجم علیه رقیب نتیجه‌ای جز ویرانی و نابودی نخواهد داشت؛ اما اکنون دوران جنگ سرد و نظام دوقطبی به پایان رسیده، استراتژی‌های جدیدی در عرصه بین‌المللی ظهور یافته و الگوهای قدرت‌یابی و بازدارندگی متفاوت از گذشته است، آمریکا نیز به عنوان ابرقدرت با آزمون و خطای فراوان به دنبال ایجاد نظم دلخواه خود در جهان است و کشورهای مستقلی را که در مقابل ارزش‌ها و سیاست‌های او تمکین نمی‌کنند به شدت تهدید می‌نماید. جمهوری اسلامی ایران نیز به عنوان یک کشور مستقل و تأثیرگذار در منطقه آسیای جنوب غربی که ارزش‌ها و سیاست‌های آن با ارزش‌ها و سیاست‌های برخی قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در تعارض است، همواره مورد تهدید دائمی بوده و بر اساس آموزه‌های دینی خود و تدابیر رهبر فرزانه انقلاب، همان‌طور که در سند چشم‌انداز نیز آمده است، در پی دستیابی به قدرت بازدارندگی همه‌جانبه و مبتنی بر پیوستگی مردم و حکومت است. «امروز عرصه بین‌الملل به شدت تحت تأثیر عوامل فرهنگی و هویتی قرار دارد و قدرت‌یابی و کسب و تولید قدرت در دنیای جدید در مقایسه با گذشته از الگوهای متفاوتی پیروی می‌کند» (خراسانی، ۱۳۸۷: ۴۷).

بدیهی است مفهوم بازدارندگی نیز متناسب با شرایط و محیط بین‌المللی و ماهیت قدرت، دستخوش تحول گردیده و علاوه بر مفهوم رایج آن در شکل نظامی، در اشکال دیگر از جمله فرهنگی و اجتماعی قابل طرح است. متأسفانه هنوز در بین نخبگان و مسئولین سیاسی و نظامی اجماع نظری در خصوص ماهیت قدرت در شرایط جدید بین‌المللی، نوع و ماهیت تهدیدات علیه جمهوری اسلامی و چگونگی مقابله با این تهدیدات یا به عبارت دیگر الگوی دست‌یابی به قدرت بازدارنده در مقابل تهدیدات جدید وجود ندارد؛ بنابراین مسئله اصلی تحقیق فقدان یک الگوی راهبردی برای ارتقاء قدرت بازدارندگی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران به منظور دفع تهدیدات نوین دشمن (تهدیدات فرهنگی) است که مسئولین نظام بر آن اتفاق نظر داشته باشند.

این تحقیق درصدد است که ضمن واکاوی ماهیت جدید قدرت، نوع و ماهیت تهدیدات علیه منافع جمهوری اسلامی ایران را بیان نموده و به این سؤال پاسخ دهد که با توجه به ماهیت تهدیدات نوین علیه کشورمان (تهدیدات نرم) الگوی ارتقاء قدرت بازدارندگی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران با توجه به اسناد بالادستی (آموزه‌های قرآن کریم، فرمایشات مقام معظم رهبری و سند چشم‌انداز) کدام است؟ و به عبارت دیگر جمهوری اسلامی ایران بایستی در چه بعدی از ابعاد قدرت، قابلیت و توانایی خود را ارتقاء دهد تا منجر به بازدارندگی در مقابل تهدیدات نوین دشمن (تهدیدات نرم) گردد؟

اهمیت این تحقیق در این است که اولاً نوع و ماهیت تهدیدات دشمنان علیه منافع جمهوری اسلامی ایران را شناسایی و تبیین نموده و راه‌های بازدارنده، یا به عبارت دیگر قدرتی که دشمن را از اقدامات خصمانه و تجاوزکارانه‌اش باز می‌دارد (قدرت فرهنگی و معنوی و تأثیر آن در بازدارندگی) را با تکیه بر آموزه‌های دینی، فرمایشات مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) و رویکردهای سند چشم‌انداز تبیین نماید. ضمن اینکه بر دانش موجود در این حوزه مفهومی خواهد افزود و از لحاظ کاربردی قابلیت استفاده برای مسئولین و مدیران فرهنگی کشور را دارد.

ضرورت انجام این تحقیق نیز از آنجا ناشی می‌شود که چنانچه نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران قادر به تشخیص نوع و ماهیت تهدیدات حال و آتی دشمن نشوند، ممکن است دچار خطای راهبردی شده و مقدرات و توانایی‌های خود را در جایی متمرکز و سرمایه‌گذاری نمایند که برای کشور امنیت‌ساز نباشد و یا به عبارت دیگر اگر نیروهای مسلح نتوانند نوع و ماهیت تهدیدات حال و آینده علیه کشورمان را به درستی تشخیص دهند، ممکن است مقدرات خود را در حوزه‌ای صرف نمایند که برای آنها سودمند نباشد و بازدارندگی لازم را در مقابل اقدامات خصمانه دشمن ایجاد ننمایند. نتایج این تحقیق و الگوی حاصل از آن به مسئولین نظامی و به خصوص فرهنگی نیروهای مسلح کمک خواهد کرد که متناسب با نوع و ماهیت تهدیدات اخیر دشمن (تهدیدات نرم) فرایند

قدرت‌سازی را با بهره‌گیری از منابع و مقدرات داخلی و با تکیه بر مردم به درستی انجام دهند و از هزینه‌های بی‌مورد پرهیز خواهد شد.

این تحقیق با هدف «ارائه الگوی راهبردی تأثیر قدرت فرهنگی بر ارتقاء قدرت بازدارندگی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران بر اساس آموزه‌های قرآن کریم، فرمایشان مقام معظم رهبری و سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران» انجام شده است و البته اهداف فرعی آن نیز شامل:

- ۱) شناخت ماهیت قدرت در نظام بین‌الملل، نوع و ماهیت تهدیدات نوین علیه جمهوری اسلامی ایران
 - ۲) تبیین مبانی قدرت بازدارندگی نیروهای مسلح از منظر قرآن کریم، از دیدگاه مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) و از نظر سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران است.
- سؤالات تحقیق نیز متناظر با اهداف طراحی شده‌اند، بر این اساس سؤال اصلی این تحقیق این است که «الگوی تأثیر قدرت فرهنگی بر ارتقاء قدرت بازدارندگی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، بر اساس آموزه‌های قرآن کریم، فرمایشات فرماندهی معظم کل قوا و سند چشم‌انداز چیست؟»
- با توجه به مطالعات اکتشافی در حوزه موضوع تحقیق حدس آگاهانه محقق در مورد فرضیه تحقیق نیز این است که «قدرت‌یابی و کسب قدرت بازدارندگی در محیط جدید بین‌الملل از الگوهای متفاوتی نسبت به گذشته پیروی می‌کند، اگر چه قدرت نظامی همچنان از عناصر مهم قدرت بازدارندگی محسوب می‌گردد، اما نافذ و رایج نیست، امروز تبلور قدرت در ماهیت فرهنگی - اجتماعی است، جنس آن از نوع اقناع و رضایت بوده و توانایی شکل‌دهی به ترجیحات دیگران را دارد، بنابراین تهدیدات علیه جمهوری اسلامی نیز از ماهیت قدرت در نظام بین‌الملل پیروی نموده و جنس آن نرم و از نوع فرهنگی و اجتماعی خواهد بود (اگر چه تهدیدات دیگر مانند نظامی و به ویژه اقتصادی منتفی نخواهد بود). بدیهی است قدرت بازدارنده تهدید نیز بایستی از همان نوع و ماهیت باشد؛ بنابراین نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران بایستی بر اساس اسناد بالادستی یعنی، با تکیه بر مبانی دینی و ارزش‌ها و آموزه‌های قرآنی و تدابیر مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) و با بهره‌گیری از رویکردهای سند چشم‌انداز که دفاع همه‌جانبه و پیوند مقوله دفاع را با مردم توصیه نموده است، از همه مؤلفه‌های قدرت به ویژه قدرت فرهنگی و اجتماعی برای مقابله با دشمن و ایجاد بازدارندگی تلاش نمایند».

مفاهیم و مبانی نظری

بعد از جنگ جهانی دوم و با ناکارآمد شدن نظریه موازنه قدرت و ناتوانایی آن در تحلیل روابط ابرقدرت‌هایی که به حد نفرت از همدیگر رسیده و فلسفه فکری و ایدئولوژی همدیگر را نفی می‌کردند، گروهی از واقع‌گرایان را بر آن داشت تا به جرح و تعدیل نظریه موازنه قدرت پرداخته نظریه بازدارندگی را تدوین کنند. ترس و نگرانی از کاربرد سلاح اتمی، ضرورت جستجوی راه حل برای جلوگیری از وقوع آن را اجتناب‌ناپذیر کرد.

الکساندر جرج و ریچارد اسموک دو تن از نظریه‌پردازان بازدارندگی، آن را به عنوان سیاستی معرفی می‌کنند که «هدفش مجاب کردن حریف نسبت به برتری خود و افزایش چشمگیر هزینه‌ها نسبت به منافع حاصله از تهاجم است» (جرج و ریچارد اسموک، ۱۹۷۴: ۱۱). به نظر ریچارد، بازدارندگی، از قصد و کوشش تصمیم‌گیرندگان یک ملت یا گروهی از ملت‌ها برای تهدید ارزش‌های حیاتی ملتی دیگر یا گروهی از ملت‌ها حکایت دارد.

«رابرت جرویس بازدارندگی را مجموعه‌ای از ارزش‌های مقتضی برای وادار کردن طرف مقابل به عکس‌العمل در مقابل خواسته‌های طرف تهدیدکننده تعریف می‌کند» (سیف‌زاده، ۱۳۷۹: ۱۷۸). به نظر گلن اسنایدر بازدارندگی «اختصاصاً به نوعی راهبرد که مشتمل بر تهدید کیفرآمیز و یا تهدید انکارآمیز است اطلاق می‌شود. این راهبرد مبتنی بر این مقدمه منطقی است که نابودی مشروط و یا انکار ارزش‌های پیش‌بینی شده یک بازیگر، او را از انجام بعضی از رفتارهای خاص باز می‌دارد» (اسنایدر، ۱۹۸۵: ۲۲).

ویلیام کافمن اعتقاد دارد که موفقیت تهدید کمتر به میزان و گستردگی قدرت تخریب سلاح بستگی دارد. قصد و اراده کارگزار به استفاده از این قدرت تخریب و یا ترس بازیگر دیگر به صحت تهدید و عدم آمادگی وی برای تحمل این تهدید از عواملی است که بر اعتبار تهدید تأثیر می‌گذارد. (کافمن، ۱۹۵۶: ۲۳-۲۴). در نظر برنارد برودی جنگ تمام عیار هسته‌ای به لحاظ توانمندی آن در نابودی کلیه ارزش‌های سیاسی و اجتماعی بازیگران مهاجم، قدرت حفظ بازدارندگی را دارد (برودی، ۱۹۵۹: ۸۶).

اگر چه بازدارندگی مفهومی بسیار قدیمی است، ولی در مفهوم جدید آن حاصل پیدایش سلاح اتمی و به قولی موازنه وحشت بین دو ابرقدرت است که به‌رغم نفرت چشمگیر از همدیگر، هرگونه اقدام تهاجمی علیه رقیب را غیرعقلانی می‌دانستند. اگر این برداشت از مفهوم بازدارندگی پذیرفته شود، تاریخچه بازدارندگی بسیار کوتاه و به دوران پس از جنگ جهانی دوم می‌رسد.

به طور کلی می‌توان گفت که نظریه بازدارندگی مبتنی بر مفروضه‌ای است که خردگرایی و عقلایی بودن بازیگران و تصمیم‌گیرندگان و وجود بدیل‌های مختلف برای پیشبرد اهداف سیاست خارجی، موقعیت جدیدی را برای بازیگران اصلی بین‌المللی که دارای سلاح اتمی هستند به وجود آورده است. در این موقعیت جدید افزایش هزینه‌های نظامی از لحاظ اقتصادی و میزان تلفات بسیار زیاد ناشی از کاربرد سلاح اتمی، جنگ را وسیله‌ای غیر مناسب برای تأمین منافع ملی و در نتیجه به صورت ابزاری غیرعقلایی درآورده است. بازیگرانی که قصد تهاجم و بر هم زدن وضع موجود را دارند، برای حفظ بقای خود مجبور می‌شوند از بدیل‌های دیگری به جای تهاجم استفاده کنند.

بنابراین طبق پیش‌فرض بالا کارایی بازدارندگی به عوامل زیر بستگی داشت:

- ۱) وجود ابزار و توانایی اعمال بازدارندگی از طریق ایجاد وحشت.
- ۲) انتقال پیام به طرف مقابل مبنی بر اینکه مصمم به استفاده از سلاح اتمی هستند.
- ۳) فرض وجود تفکر عقلایی نزد تصمیم‌گیرندگان دولت رقیب.
- ۴) وجود بدیل‌های دیگر (همان، ۱۷۶-۱۷۹۹).

ارزیابی و نقد نظریه بازدارندگی

به طور کلی می‌توان گفت آنچه از مفهوم نظریه بازدارندگی در خلال جنگ سرد برداشت می‌شود این است که این نظریه سنتی و ذهنی‌گراست؛ اول آنکه؛ نوعی پیش‌داوری ذهنی نسبت به انسان دارد؛ یعنی با حسابگر فرض کردن انسان و نفی تأثیرگذاری نیروهایی مانند ارزش‌ها، احساسات، ایدئولوژی و حتی غرایز، مشخص می‌شود که دیدگاهی انتزاعی و ذهنی از انسان دارد. دوم آنکه؛ این نظریه انسان را موجودی عقل‌گرا می‌داند که صرفاً به الزامات اربعایی و نظامی پاسخ می‌گوید. نگرش این نظریه نسبت به انسان و علوم انسانی کاملاً تک‌بعدی است و هیچ جایی برای قدرت انتخاب انسان‌های صاحب اراده و بالمان و مختار نمی‌گذارد.

بررسی عمیق این نظریه به خصوص نظرات توماس شلینگ نشان می‌دهد که وی به بازیگران بین‌المللی توصیه می‌کند که بر زرادخانه‌های اتمی خود بیفزایند، این توصیه همانند نظریه نظریه‌پردازان موازنه قوا است و مبتنی بر این پیش‌فرض است که انسان بیش از هر چیز به ابزار زور پاسخ مثبت می‌دهد. در حالی که چنین نیست، چه بسیار انسان‌ها و ملت‌های بااراده و بزرگی که هرگز در برابر زور تسلیم نشدند و با تکیه بر ارزش‌های اعتقادی خود و عناصری غیر از سلاح اتمی در مقابل زور ایستادگی کردند و به موفقیت دست پیدا نمودند. مسئله دیگر اینکه، مفهوم ارزش‌های حیاتی که در این نظریه که توسط برودی و برخی دیگر بکار برده شده، مفهومی کیفی و غیردقیق است. ممکن است ارزش‌ها در دیدگاه غربی بیشتر ماهیت مادی مانند سرمایه‌های اقتصادی و رفاه ... باشد در حالی که از دیدگاه اسلام مفهوم ارزش‌ها بعد معنوی و دینی دارد.

نگاهی به تغییر ماهیت قدرت در نظام بین‌الملل و نوع و ماهیت تهدیدات علیه ج.ا.ا. با پایان جنگ سرد مفهوم بازدارندگی در شکل رایج خود دچار تحول شد. امروز ابزار بازدارندگی نه سلاح هسته‌ای بلکه عواملی همچون فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، رسانه‌ها و فضای مجازی، عوامل اقتصادی، دیپلماسی و به خصوص عوامل فرهنگی و اجتماعی است. تنها ابرقدرت بازمانده از دوران جنگ سرد، سرمست از پیروزی بر رقیب خود ابتدا درصدد ایجاد نظم نوینی در جهان برآمد که مبتنی بر قدرت، رهبری و ارزش‌های آمریکایی باشد و در این راستا و به بهانه حادثه ۱۱ سپتامبر به کشورهای افغانستان و عراق لشکرکشی نمود و این کشورها را اشغال کرد؛ اما حوادث بعد از اشغال این کشورها

و ناتوانی آمریکا در ایجاد امنیت و ثبات نشان داد که صرف قدرت نظامی برای دستیابی به اهداف اعلام شده (دموکراسی‌سازی) در شرایط جدید کافی و نافذ نیست و در دنیای جدید اعمال قدرت و قدرت‌یابی از الگوهای متفاوتی نسبت به گذشته پیروی می‌کند. تحولات دهه‌های اخیر در حوزه بین‌المللی حاکی از اهمیت مقوله فرهنگ در دستیابی به اهداف و بهبود روابط میان دولت‌ها است. از این رو کسب وجهه و اعتبار بین‌المللی و نفوذ در افکار عمومی از جمله اهداف مهم کشورها محسوب می‌گردد که متناسب با موقعیت، جایگاه، ابزارها و ظرفیت‌های فرهنگی هر کشور به شیوه‌ها و سازوکارهای مختلف تعقیب می‌گردد. امروز عرصه بین‌الملل به شدت تحت تأثیر عوامل فرهنگی و هویتی قرار دارد، قدرت‌یابی و کسب و تولید قدرت در دنیای جدید در مقایسه با گذشته از الگوهای متفاوتی پیروی می‌کند و متغیرهای جدیدی را جهت تولید و اعمال قدرت و نیز تحلیل مسائل بین‌المللی، وارد حوزه روابط بین‌الملل نموده است. امروزه دولت‌ها درصدد تحکیم بنیان‌های معرفتی فرهنگ خود و تعمیم ارزش‌ها، دانش‌ها و نگرش‌های تولید شده خود به فراسوی مرزهای جغرافیایی خود می‌باشند تا یکی از مهم‌ترین ابزارهای اعمال قدرت (یعنی قدرت نرم یا قدرت فرهنگی) را در کنار سایر ابعاد قدرت همراه خود نموده و با استعانت از سازوکارهای اغناء فرهنگی به جای کاربرد زور، اذهان و افکار عمومی جهانیان را در راستای منافع و اهداف خود همسو نمایند (خراسانی، ۱۳۸: ۴۷-۵۰).

«جوزف نای بر این عقیده است که قدرت نرم توجه ویژه‌ای به اشغال فضای ذهنی کشور دیگر از طریق جاذبه است. به نظر وی قدرت نرم زمانی اعمال می‌شود که یک کشور سایر کشورها را وادار چیزی بخواهند که خود می‌خواهد» (نای، ۱۳۸۲: ۱۰).

با عنایت به موارد فوق و با در نظر گرفتن عدم توفیق آمریکا در دستیابی به اهداف خود در افغانستان و عراق، با استفاده از قدرت نظامی، رویکرد این کشور به بهره‌گیری از قدرت نرم تمرکز بیشتری یافت و تأثیرگذاری و نفوذ بر اذهان مردم جهان به ویژه کشورهایی که با ارزش‌های آمریکایی در تضاد و تقابل هستند، در دستور کار استراتژیست‌های آمریکایی قرار گرفت.

لارنس فریدمن بر آن است که قدرت نظامی فقط می‌تواند خود را در راستای نفرت به نمایش بگذارد، ولی اصلاً نمی‌تواند فضایل لیبرال دموکراسی را در عمل نشان دهد. به عبارت دیگر در شرایط جدید قدرت نظامی، کاربردی سلبی دارد نه ایجابی. اگر قرار است ارزش‌های غربی در دنیا گسترش یابد، می‌بایست تغییراتی به مراتب بنیادی‌تر و بلندمدت‌تر در تک‌تک جوامع صورت گیرد. (فریدمن، ۱۳۸۶: ۲۰۱).

جمهوری اسلامی ایران به عنوان کشور مستقل و تأثیرگذار در منطقه که اساس حکومت آن مبتنی بر خدامحوری و ارزش‌های دین مبین اسلام است و با بهره‌گیری از فرهنگ ذلت‌ناپذیر در طول حیات خود هیچ‌وقت در مقابل زورگویی‌های این کشور تسلیم نشده و برعکس، نظم لیبرال مورد نظر آمریکا را به

چالش کشیده و ارزش‌های آن را نفی کرده است، به بهانه‌های مختلف از جمله تلاش برای دستیابی به سلاح کشتار جمعی، نقض حقوق بشر، حمایت از تروریسم و... همواره مورد تهدید آمریکا بوده است. تحریم‌های اقتصادی و سیاسی و به خصوص تهاجم فرهنگی و تأثیرگذاری بر افکار و اذهان مردم ایران، در جهت کم‌رنگ نمودن ارزش‌های اسلامی و نافرمانی‌های سیاسی از جمله این تهدیدات بوده است. در این میان کارکنان نیروهای مسلح و خانواده‌های آنان نیز از این هجمه گسترده در امان نبوده و بدون شک تأثیرپذیری آنان از تهاجم فرهنگی دشمن و کم‌رنگ شدن ارزش‌ها و اعتقادات اسلامی در آنان تأثیر بسیار زیادی در کاهش توان رزمی آنان خواهد داشت. امروز به صراحت می‌توان گفت که تهدید اصلی دشمن بر روی عقیده و ایمان و باورهای دینی متمرکز شده است، جنس آن از نوع اقناع و رضایت، هدف آن تغییر باورها و ارزش‌های اعتقادی، و ابزار آن رسانه‌ها، فضای مجازی و اینترنت، ماهواره و فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی است. عقل سلیم حکم می‌کند با دشمنی که نقطه تمرکزش را در تأثیرگذاری بر ذهن و تضعیف باورهای اعتقادی از طریق ابزارهای قدرت نرم قرار داده، بایستی با همان ابزارها مقابله نمود و با تقویت حوزه‌ای که دشمن از آن حوزه حمله نموده یعنی ارتقاء ارزش‌ها و اعتقادات و معنویت (از طریق نهادها و سازمان‌های فرهنگی نیروهای مسلح)، او را در دستیابی به اهداف ناکام گذاشت و بازدارندگی ایجاد کرد.

به طور خلاصه می‌توان نتایج این مبحث را چنین خلاصه کرد:

- ۱) آمریکا پس از جنگ سرد درصدد ایجاد هژمونی و سیطره خود بر تمام جهان و ایجاد نظم مورد نظر خود مبتنی بر قدرت آمریکا، رهبری این کشور و ارزش‌های آمریکایی شد.
- ۲) جمهوری اسلامی ایران به عنوان کشوری مستقل و آزاد، در مقابل سیاست‌ها و زیاده‌خواهی‌های آمریکا نه تنها تسلیم نشد بلکه به عنوان محور مقاومت در مقابل او ایستاد و سیاست‌ها و ارزش‌های ترویجی او و هم‌پیمانان غربی‌اش را به چالش کشید.
- ۳) پس از ناامیدی آمریکا از اقدام نظامی به دلایل مختلف از جمله ناکارآمدی قدرت نظامی در محیط جدید بین‌المللی که تحولات پس از اشغال افغانستان و عراق و ناتوانی آمریکا در ایجاد امنیت و ثبات در این کشورها، نشانه‌ها و دلایل این ناکارآمدی بود، آمریکا اهداف خود را از طریق تمرکز بر تهاجم فرهنگی و یا به عبارت دیگر تأثیرگذاری بر اذهان و نگرش‌ها و باورها و کم‌رنگ نمودن ارزش‌های اسلامی و جایگزینی آن با ارزش‌های لیبرال دموکراسی غرب را با بهره‌گیری از پشتوانه قدرت نرم خود در دستور کار قرار داد و البته در کنار آن از همه ابزارهای دیگر از جمله تحریم‌های اقتصادی بهره برد.

روش‌شناسی

تحقیق حاضر از نوع توسعه‌ای و کاربردی است، زیرا الگوی ارائه شده و نتایج حاصل از آن را می‌تواند

در ایجاد قدرت بازدارندگی به کار برد. همچنین دانش موجود در زمینه موضوع تحقیق را توسعه داده است. این تحقیق که از روش توصیفی و تحلیلی انجام شده است، درصدد است که ضمن واکاوی ماهیت جدید قدرت، نوع و ماهیت تهدیدات علیه منافع جمهوری اسلامی ایران را بیان نموده و به این سؤال پاسخ دهد که با توجه به ماهیت تهدیدات نوین علیه کشورمان (تهدیدات نرم) الگوی ارتقاء قدرت بازدارندگی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران با توجه به اسناد بالادستی (آموزه‌های قرآن کریم، فرمایشات مقام معظم رهبری و سند چشم‌انداز) کدام است؟ و به عبارت دیگر جمهوری اسلامی ایران بایستی در چه بعدی از ابعاد قدرت، قابلیت و توانایی خود را ارتقاء دهد تا منجر به بازدارندگی در مقابل تهدیدات نوین دشمن (تهدیدات نرم) گردد؟

در این تحقیق در راستای پاسخ به پرسش‌ها از روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده است و ضمن مطالعه و واکاوی درآیات قرآن کریم، فرمایشات فرماندهی معظم کل (مد ظله العالی) و سند چشم‌انداز به سؤال تحقیق پاسخ داده شده است.

داده‌ها و تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش

۱- قدرت بازدارندگی نیروهای مسلح از دیدگاه آموزه‌های قرآن کریم

قرآن به عنوان کتاب آسمانی، بزرگ‌ترین راهنمای عملی است که از سوی خداوند متعال برای انسان نازل شده است. قرآن خط مشی‌های کلی و کلان و راهبردی را مشخص نموده و اصول جهت دهنده را بیان می‌فرماید. در عرصه دفاع نیز، قرآن کریم در مقام تبیین‌کننده تدابیر کلی عمل نموده و با تأکید بر مقوله‌هایی مانند صلح‌مداری، جهاد، نقش ایمان به خدا و شهادت‌طلبی در ارتقاء قدرت دفاعی و بازدارندگی و... سیاست‌های کلی دفاعی را ترسیم نموده است.

از منظر قرآن، شالوده سیاست‌های دفاعی و قدرت بازدارندگی برای «حفظ عقیده و ایمان، عدالت، حقوق و آزادی‌های اساسی انسان و جان و مال اوست» (عسگری و آقاجانی، ۱۳۹۱: ۶۷). بنابراین قرآن کریم هر جایی که عقیده و ایمان مردم در معرض تهدید قرار گیرد دستور دفاع و ایجاد قدرت بازدارنده در مقابل تهدید را صادر می‌فرماید.

به صراحت می‌توان گفت که تهدید اصلی دشمن بر روی عقیده و ایمان و باورهای دینی متمرکز شده است، جنس آن از نوع اقناع و رضایت (نرم)، هدف آن تغییر باورها و ارزش‌های اعتقادی و ابزار آن رسانه‌ها، فضای مجازی و اینترنت، ماهواره و فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی است. عقل سلیم حکم می‌کند با دشمنی که نقطه تمرکز خود را در تأثیرگذاری بر ذهن و تضعیف باورهای اعتقادی از طریق ابزارهای قدرت نرم قرار داده، بایستی با همان ابزارها مقابله نمود و با تقویت حوزه‌ای که دشمن از آن حوزه حمله نموده، او را در دستیابی به اهداف ناکام گذاشت و بازدارندگی ایجاد کرد.

خوشبختانه به لطف اسلام و آموزه‌های قرآن و تمدن و فرهنگ مردم این کشور، منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران و نیروهای مسلح بسیار غنی و ریشه‌دار است و توانایی بازدارندگی در مقابل تهاجم فرهنگ نوپای لیبرال غربی را دارد. از جمله منابع قدرت نرم نیروهای مسلح را می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

۱) وجود کتابی آسمانی قرآن که آموزه‌های آن در هر حوزه موضوعی (جهاد، شهادت، صبر و پایداری، ظلم‌ستیزی و سلطه‌ناپذیری و ...) و در هر مقطع زمانی و مکانی راهگشای مردم و نیروهای مسلح خواهد بود.

۲) تاریخ و تمدن کهن و فرهنگ دینی غنی و ریشه‌دار ایران.

۳) وجود الگویی بنام امام حسین (ع) در بین مردم و به خصوص نیروهای مسلح که نیروهای مسلح روحیه شهادت‌طلبی، گذشت، فداکاری و ذلت‌ناپذیری را در مکتب او آموخته‌اند.

۴) کیفیت رهبری توأم با مرجعیت دینی که ظرفیت‌ها و اقتدار گسترده‌ای در آن نهفته است

۵) مشروعیت سیاسی و اجتماعی نظام (پوراحمدی، ۱۳۸۹: ۸۳).

۶) موقعیت ممتاز ژئوپلیتیک کشور (همان)

۷) قدرت نفوذ فرهنگی و ایدئولوژی [در مناطق پیرامونی و منطقه‌ای] (شجاعی، ۱۳۸۶: ۲۲)

بنابراین مسئولین کشور و به خصوص مسئولین فرهنگی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران مانند سازمان‌های عقیدتی سیاسی ارتش، نیروی انتظامی و وزارت دفاع و نمایندگی ولی فقیه در سپاه پاسداران بایستی با برنامه‌ریزی منسجم و علمی نسبت به بهره‌گیری از منابع قدرت اشاره شده در بالا به منظور ارتقاء بصیرت دینی و سیاسی کارکنان اقدام نمایند که آن نیز به نوبه خود تأثیر غیرقابل انکاری در ارتقاء قدرت بازدارندگی نیروهای مسلح در مقابل دشمن دارد.

«قرآن در آیه ۱۳ و ۱۴ سوره مبارک حشر به رزمندگان اسلام این نوید را می‌دهد که دشمنان از مسلمانان واهمه دارند، دل‌های آنان پراکنده و فاقد اندیشه و فهم لازم هستند» (کریمی، ۱۳۹۱: ۸۶).

یکی از آیات قرآن کریم که به مسئله بازدارندگی پرداخته آیه ۶۰ سوره مبارک انفال است که می‌فرماید:

«واعدوا لهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخیل، ترهبون به عدو الله و عدوکم و...»

در این آیه شریفه؛ تمام ابعاد، مصادیق و اهداف قدرت دفاعی و لزوم آمادگی و بازدارندگی در مقابل دشمن را به وضوح و زیبایی بیان می‌فرماید.

واژه «من قوه»، نه تنها وسایل جنگی و سلاح‌های مدرن هر عصری را دربرمی‌گیرد، بلکه تمام نیروها و قدرت‌هایی که به نوعی در پیروزی بر دشمن اثر دارد شامل می‌شود. اعم از نیروهای مادی و معنوی، قدرت اقتصادی، فرهنگی، سیاسی که آنها نیز در مفهوم «قوه» مندرج هستند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱: ۲۲۲).

بنابراین اگر امروز رسانه‌ها و فضای مجازی به عنوان یکی از منابع قدرت، و یکی از ابزارهای مهم

تأثیرگذاری بر افکار و اندیشه‌ها است، مفهوم آن در این آیه شریفه نهفته است.

توجه قرآن کریم به روحیه شهادت‌طلبی و ارزش نهادن به مقام شهدا بسیار زیاد و متواتر است، مانند آیات ۱۵۴ سوره مبارکه بقره، یا آیه ۱۶۹ سوره مبارک آل عمران و ده‌ها آیه دیگر.

در خصوص قدرت ایمان در نیروهای مسلح و ارزش مجاهدین اسلام نیز خداوند آیات بسیاری نازل فرموده است. در آیه ۶۵ سوره مبارک انفال می‌فرماید «اگر ۲۰ نفر از شما رزمندگان اسلام صبور و پایدار باشید بر ۲۰۰ نفر از دشمنان غلبه خواهید کرد و اگر صد نفر باشید بر ۱۰۰۰ نفر از کافران پیروز می‌شوید...» که نشان از قدرت ایمان به خدا و شهادت‌طلبی دارد که می‌تواند از عوامل مهم بازدارنده در مقابل تهاجم نرم دشمن نیز باشند.

بنابراین قرآن کریم کسب قدرت بازدارندگی را در مقابل دشمنان در ایمان به خدا و معاد، صبر و پایداری، شهادت‌طلبی، ارزش جهاد و ارج نهادن به مجاهد راه خدا و به طور خلاصه در ارتقاء باورهای اعتقادی و ارزش‌های دینی (قدرت فرهنگی) می‌داند.

۲- قدرت بازدارندگی نیروهای مسلح از دیدگاه مقام معظم رهبری (مد ظله العالی)

یکی از مهم‌ترین مبادی و منابع تشخیص راه‌های ارتقاء قدرت بازدارندگی دیدگاه‌های عالی‌ترین مقامات و مراجع تصمیم‌گیری کشورهاست. نقطه نظرات عالی‌ترین مقام هر کشوری برای آن کشور دارای شأن و اهمیت ویژه‌ای است. به خصوص در جوامعی مانند ج.ا.ا که این افراد دارای شخصیت فرهنگی و مرجعیت دینی باشند منویات آنها بیان‌کننده خط مشی کلی آن جامعه است. این نوع رهبران، برحسب وظایف، آگاهی و بینشی که دارند تدابیری را اعلام می‌نمایند که به لحاظ قانونی می‌تواند و باید در تدوین سیاست‌های کلان به ویژه مسائل دفاعی و امنیتی مورد استفاده قرار گیرد. در جمهوری اسلامی ایران نیز مقام معظم رهبری با توجه به مسئولیت فرماندهی کل قوا و برخورداری از بصیرت و دوراندیشی و داشتن آگاهی‌های سیاسی، در امور گوناگون و از جمله مسائل دفاعی و فرهنگی دارای نظام فکری مشخص و صاحب‌نظر بوده و در واقع تفسیر کننده مبانی دین مبین اسلام بر اساس شرایط روز هستند و آشنایی با آن تدابیری می‌تواند برای حل مشکلات کشور راه‌گشا باشد.

معظم له بر بعد نرم قدرت تأکید فراوان دارند، به باور ایشان ایمان‌مداری مردم ایران، از ویژگی‌های جامعه ایرانی و بالطبع نیروهای مسلح و عامل قدرت آنان است و عامل بازدارنده دشمن از انجام و اقدام تهدیدآمیز. در این رابطه می‌فرمایند «مجهز بودن دل‌های نیروهای مسلح کشور به ایمان اسلامی عامل اقتدار است» (بیانات فرماندهی معظم کل قوا در مراسم نظامی مشترک نیروهای مسلح در قزوین ۲۶ / ۹ / ۱۳۸۲). ایشان در جایی دیگر می‌فرمایند: «مهم‌تر از سلاح، نیروی معنوی و قدرت روحی مرد مسلح است...»

در جمهوری اسلامی ایران، نیروهای مسلح، عظمت و ابهت خود را فقط به قدرت سلاح نشان نمی‌دهند، بلکه در کنار آن، اقتدار معنوی آنها وابسته به نیروی ایمانی آنهاست» (بیانات در دومین مراسم مشترک تحلیف و دانش‌آموختگی دانشگاه‌های افسری آجا ۲۸ / ۷ / ۱۳۸۷)

مقام معظم رهبری در یکی دیگر از بیانات خود دفاع از آرمان‌های انسانی را از وظایف نیروهای مسلح می‌داند و می‌فرماید «نیروهای مسلح کشور، سربازان آرمان‌های بلند انسانی هستند، زیرا علاوه بر وظیفه دفاع از سرزمین خود، دفاع از آرمان‌های انسانی و شرف و کرامت انسانیت نیز از وظایف مهم آنان است» (بیانات در مراسم سومین دوره دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه‌های آجا ۳۰ / ۹ / ۱۳۸۴).
مقام معظم رهبری در دیدار کارکنان سپاه پاسداران در مورخه ۸۱/۶/۲۴ می‌فرماید:

«این که ما سفارش می‌کنیم آمادگی‌ها را حفظ کنید، فقط آمادگی رزمی نیست، عامل اساسی‌تر، آمادگی‌هایی است که می‌توانند آمادگی رزمی را به خدمت بگیرند، دل‌ها، انگیزه‌ها، ایمان‌ها، معرفت‌ها و عشقی که همه وجودشان با آن حرکت می‌کند این‌ها را باید آماده نگه داشت».

معظم له در جایی دیگر مستقیماً به الگوی اقتدار و قدرت نظام اسلامی پرداخته و می‌فرماید «در الگوی اقتدار نظام اسلامی، نظم، تجهیزات نظامی و آموزش از جایگاه مهمی برخوردارند، اما روح همه این ابزارها، احساس تکلیف الهی و اتکال به خداوند متعال است. قدرت‌های مادی که الگوی آنها، صرفاً تجهیزات نظامی و محاسبات مادی است، قادر به شکست ملتی با الگوی اقتدار اسلامی نیستند» (بیانات در مراسم دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه‌های افسری ارتش، ۱۹/۸/۱۳۸۹).

بنابراین از فرمایشات مقام معظم رهبری می‌توان چنین برداشت کرد که در کنار تجهیزات و سازوکار نظامی، آن چیزی که باعث به خدمت گرفتن تجهیزات و ارتقاء قدرت بازدارندگی نیروهای مسلح می‌شود قدرت ایمان، شهادت‌طلبی و روحیه ایثار و فداکاری و به طور کلی باورهای اعتقادی و دینی در نیروهای مسلح است. در واقع دیدگاه مقام رهبری منطبق بر آموزه‌های دینی و همانند آن است.

۳- قدرت بازدارندگی نیروهای مسلح از منظر سند چشم‌انداز ۱۴۰۴

تحلیل چشم‌انداز ج.ا.ا نشان می‌دهد وضع امنیتی آینده ناشی از اتخاذ سیاست‌های دفاعی معطوف به رویکردهای نرم و ایجابی است. چگونگی نگاه به قدرت و منابع آن، توجه اساسی به ساخت‌های اجتماعی و درونی، اقناع و همکاری در روابط منطقه‌ای و بین‌المللی، علائم رویکرد فوق محسوب می‌گردد. از نظر چشم‌انداز، قدرت جمهوری اسلامی ایران عمده‌تأ مبتنی بر منابع قدرت نرم خواهد بود. اگر چه تأثیر قدرت سخت در کنار قدرت نرم به مراتب بیشتر خواهد بود و در سند چشم‌انداز به هر دو بعد قدرت توجه شده است، ولی سهم قدرت نرم بسیار بالا تصور شده است. در واقع می‌توان تولید قدرت از طریق کاهش و رفع آسیب‌ها را مهم‌ترین سیاست یا هدف امنیتی چشم‌انداز تلقی کرد. (ره‌پیک، ۱۳۸۵: ۸۸).

مردمی کردن کارها به ویژه مقوله دفاع و امنیت نیز یکی از مهم‌ترین تغییرات ساختاری بعد از انقلاب شکوهمند اسلامی بود که در سند چشم‌انداز تحت عنوان بازدارندگی همه‌جانبه و پیوستگی مردم و حکومت به آن پرداخته شده است. تأسیس برخی نهادهای مردمی برای گسترش نظم و حفاظت از دستاوردهای انقلاب و همچنین ایجاد «بسیج» به فرمان امام راحل برای مشارکت همگانی توده‌های مردمی در دفاع از کشور در همین راستا قابل تحلیل است.

دفاع همه‌جانبه را می‌توان تمامی ظرفیت‌ها و مقدرات موجود برای مواجهه با تهدیدهای فراروی نظام اعم از تهدید سخت و نظامی، یا تهدید نرم و فرهنگی و یا هر نوع از تهدیدات دیگر دانست. «شاید بتوان بیان داشت که دفاع همه‌جانبه، دفاع از ارزش‌ها است که مورد تهدید هستند و یا خواهند بود» (عسگری و آقاجانی، ۱۳۹۱: ۱۷۶).

برخی نیز تهدید را عبارت از هر وضعیت یا اقدامی می‌دانند که هدف‌ها، ارزش‌های حیاتی جامعه و امنیت ملی کشور از طرف دشمن خارجی و یا عوامل داخلی به خطر افتد؛ به عبارت دیگر شرایط تهدید، شرایطی است که به موجب آن حیات کشور و نظام ارزشی آن به مخاطره افتاده باشد. (افتخاری، ۱۳۸۵: ۸۵). اگر این تعاریف از «دفاع همه‌جانبه» و «تهدید» را بپذیریم و آن را با شرایط فعلی کشور تطبیق نماییم، می‌توان عنوان نمود که امروز دشمن ارزش‌های اساسی و باورهای اعتقادی مردم و نیروهای مسلح را با قدرت نرم خود مورد تهدید قرار داده است؛ و مردم و نیروهای مسلح بایستی در مقابل این تهدید مقاومت نموده و آن‌قدر ارزش‌های اساسی و باورهای اعتقادی خود را تقویت نمایند که دشمن احساس کند هزینه نمودن در این مسیر توفیقی را برای او ایجاد نخواهد کرد، آن وقت است که می‌توان گفت در مقابل دشمن بازدارندگی ایجاد شده است. ضمن اینکه ایمان به خدا و نصرت او و صبر و ایستادگی در راه خدا باعث نزول امدادهای الهی در صحنه‌های جنگ سخت نیز می‌گردد، این از وعده‌های الهی است که در محاسبات مادی دشمن جای ندارد.

نتیجه‌گیری

بازدارندگی از جمله نظریه‌های قدیمی در حوزه روابط بین‌الملل به شمار می‌رود که با پایان جنگ جهانی دوم و به موازات تحکیم و تداوم نظام دوقطبی، جایگاه خود را در تفکر راهبردی غرب تثبیت کرد و بیش از چهار دهه بر اندیشه راهبردی غرب مسلط بود. مفهوم بازدارندگی ناظر بر تحولات دوران جنگ سرد و قدرت وحشت‌آور و بازدارنده سلاح‌های اتمی بود که دو ابرقدرت را متقاعد می‌ساخت تا حاکم علیه رقیب نتیجه‌ای جز ویرانی و نابودی نخواهد داشت.

با پایان جنگ سرد و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، مفهوم بازدارندگی نیز از شکل رایج خود دچار تحول شد. پیچیدگی‌های روزافزون تحولات نظام بین‌الملل و تعامل مسائل سیاسی و فرهنگی - اجتماعی

با فرایندهای نظامی و همچنین تحول در فناوری‌های دفاعی، نظام بین‌الملل و منازعات آن را از حاکمیت مطلق تاکتیک‌ها و راهبردهای نظامی خارج ساخته و حوزه نفوذ و تأثیر عوامل فناورانه، اقتصادی، روانی، سیاسی و به خصوص فرهنگی و اجتماعی را در محیط امروزی به شدت افزایش داده است.

امروزه عرصه بین‌الملل به شدت تحت تأثیر عوامل فرهنگی و هویتی قرار دارد، قدرت‌یابی و کسب و تولید قدرت در دنیای جدید در مقایسه با گذشته از الگوهای متفاوتی پیروی می‌کند. بدیهی است مفهوم بازدارندگی نیز متناسب با شرایط و محیط بین‌المللی و ماهیت قدرت، دستخوش تحول گردیده است و در اشکال دیگر از جمله فرهنگی و اجتماعی تبلور یافته است. به صراحت می‌توان گفت که تهدید اصلی دشمن بر روی عقیده و ایمان و باورهای دینی متمرکز شده است، جنس آن از نوع اقناع و رضایت (نرم)، هدف آن تغییر باورها و ارزش‌های اعتقادی و ابزار آن رسانه‌ها، فضای مجازی و اینترنت، ماهواره و فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی است. دشمن دریافته است تا زمانی که مردم و نیروهای مسلح از ایمان، باورها و اعتقادات قوی و معنویت سرشار برخوردارند، شکست در آن‌ها راه ندارد. دشمن به خوبی می‌داند آن چیزی که باعث ارتقاء انگیزه‌ها، روحیه دشمن‌ستیزی، جسارت، اعتماد به نفس و ایثار و از خودگذشتگی مردم و نیروهای مسلح ج.ا.ا شده است، همان باورها و ارزش‌های اسلامی و معنویت ناشی از آن است. این موارد است که قدرت رزمنده راه خدا را ارتقاء می‌دهد و بازدارندگی ایجاد می‌نماید. از سوی دیگر آمریکا به عنوان ابرقدرت بازمانده از جنگ سرد، با آزمون و خطای فراوان به دنبال ایجاد نظم دلخواه خود در جهان بوده و کشورهای مستقلی را که در مقابل ارزش‌ها و سیاست‌های او تمکین نمی‌کنند به شدت تهدید می‌نماید. به طور خلاصه می‌توان گفت: آمریکا پس از جنگ سرد درصدد ایجاد هژمونی و سیطره خود بر تمام جهان و ایجاد نظم مورد نظر خود مبتنی بر قدرت آمریکا، رهبری این کشور و ارزش‌های آمریکایی برآمد. در مقابل جمهوری اسلامی ایران به عنوان کشوری مستقل و آزاد، در مقابل سیاست‌ها و زیاده‌خواهی‌های آمریکا نه تنها تسلیم نشد بلکه به عنوان محور مقاومت در مقابل او ایستاد و سیاست‌ها و ارزش‌های او و هم‌پیمانان غربی‌اش را به چالش کشید. پس از ناامیدی آمریکا از اقدام نظامی به دلایل مختلف از جمله ناکارآمدی قدرت نظامی، این کشور تهاجم فرهنگی و به عبارت دیگر تأثیرگذاری بر اذهان و نگرش‌ها و کم رنگ نمودن ارزش‌های اسلامی و جایگزینی آن با ارزش‌های لیبرال دموکراسی غرب را در دستور کار قرار داد. این تحقیق تلاش نموده است با استناد بر آموزه‌های قرآن کریم، فرمایشات رهبری و رویکردهای سند چشم‌انداز، به تأثیر شگرف و نقش بی‌بدیل ایمان، باورهای اسلامی و معنویت ناشی از آنها در ارتقاء قدرت بازدارندگی نیروهای مسلح ج.ا.ا با پشتوانه عظیم مردمی آن پرداخته و الگوی مربوط را ارائه نماید. با توجه به آموزه‌های قرآن کریم، ایجاد بازدارندگی در مقابل دشمنان در ایمان به خدا و معاد، صبر و پایداری، شهادت‌طلبی، جهاد و ارج نهادن به مجاهد راه خدا و به طور خلاصه در ارتقاء باورهای

اعتقادی و ارزش‌های دینی و معنویت ناشی از آن‌ها است. از فرمایشات مقام معظم رهبری به عنوان عالی‌ترین مقام کشور که نقطه نظرات وی دارای شأن و اهمیت ویژه‌ای است. می‌توان چنین برداشت کرد که در کنار تجهیزات و سازوپرگ نظامی آن چیزی که باعث ارتقاء قدرت و ایجاد بازدارندگی نیروهای مسلح به خصوص در شرایط جدید که دشمن باورها و ارزش‌های مردم و نیروهای مسلح را هدف قرار داده است، معنویت، قدرت ایمان، شهادت‌طلبی و روحیه ایثار و فداکاری و به طور کلی باورهای اعتقادی و دینی در نیروهای مسلح است. تحلیل چشم‌انداز ج.ا.ا. نیز نشان می‌دهد که وضعیت دفاعی آینده کشور ناشی از اتخاذ سیاست‌های دفاعی معطوف به رویکردهای نرم و ایجابی است. از نظر چشم‌انداز، قدرت جمهوری اسلامی ایران عمدتاً مبتنی بر منابع قدرت نرم با تکیه بر مردمی کردن دفاع است.

منابع

(الف) منابع فارسی

- قرآن کریم

- پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری (آرشیو بیانات www.leader.ir)
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۵)، کالبدشکافی تهدید، تهران: دوره عالی جنگ دانشگاه امام حسین (ع).
- اعرابی، سیدمحمد (۱۳۸۵)، الگوی مناسب در یکپارچه‌سازی مدل‌های مدیریت استراتژیک، فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، سال هفتم، شماره ۲۸، زمستان ۱۳۸۵، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
- توحیدی، ارسطو (۱۳۸۶)، راهبردهای امنیت منطقه‌ای برای تحقق چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه نگرش راهبردی، سال هشتم، شماره ۸۷، بهمن ۱۳۸۶، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
- پوراحمد، حسین (۱۳۸۹)، قدرت نرم و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، قم: دانشگاه باقرالعلوم (ع)، مؤسسه بوستان کتاب.
- ره‌پیک، سیامک (۱۳۸۵)، آسیب‌ها و تهدیدات امنیتی در تحقق اهداف چشم‌انداز بیست‌ساله، فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، سال هفتم، شماره ۲۸، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
- سیف‌زاده، سیدحسین، (۱۳۷۹)، نظریه‌پردازی در روابط بین‌الملل، مبانی و قالب‌های فکری، ج ۲، تهران: انتشارات سازمان مطالعات و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- سیف‌زاده، سیدحسین، (۱۳۷۸)، اصول روابط بین‌الملل، ج اول، تهران: انتشارات میزان - دادگستر.
- شجاعی، خداداد، (۱۳۸۶)، مؤلفه‌های قدرت نرم در جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه اقتدار، شهریور ۸۶.
- عسگری، محمود و آقاجانی، احمد (۱۳۹۱) عوامل و ویژگی‌های سیاست دفاعی ج.ا.ا، نامه دفاع، شماره ۳۰، تهران: مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی.
- فریدمن، لارنس، (۱۳۸۶)، بازدارندگی، ترجمه روح‌الله طالبی‌آرانی و عسگر قهرمانپور بناب، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- کریمی، حمید (۱۳۹۱)، بررسی عوامل مؤثر در توان نظامی بومی در قالب الگوی بازدارندگی همه‌جانبه دفاعی ج.ا.ا در مقابل تهدیدات ناهم‌تراز، فصل‌نامه دفاع ملی، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۱)، تفسیر نمونه، ج ۷، قم: انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
- نای، جوزف (۱۳۸۲)، کاربرد قدرت نرم، ترجمه سیدرضا میرطاهر، تهران: نشر قومس.
- نائینی، علی‌محمد (۱۳۸۸)، بررسی ابعاد و حوزه‌های تأثیر تهدیدهای نرم آمریکا علیه ایران، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال هفتم، شماره ۲۵، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.

ب) منابع انگلیسی:

- Alexander L.Gorge and Richard Smoke, **Deterrence in American Foreign policy: Teory and practice**, (Newyork: Colubia university press, 1974), p.11
- Snyder, Glenn; **Deterrence by Denial and Punishment; princenton**, new Jersey: Center for International studies, 1958.
- Kaufman, William W; The requirements of deterrence, w.w. Kaufman, military policy and national security; Princeton, New jersey: princenton university press, 1956.
- Brodie, Bernard; **strategy in the missile age; Princeton**, New jersey: princenton university press, 1959

